

بررسی وضعیت توزیع درآمد با استفاده از محاسبه ضریب جینی و شاخص رفاه سن طی سالهای ۱۳۸۶-۱۳۶۸

یکتا اشرفی* و زینت گلی**

در این مقاله به بررسی توزیع درآمد با محاسبه «ضریب جینی» و «شاخص سن» پرداخته شده و سپس عوامل مؤثر بر توزیع درآمد مورد توجه قرار گرفته است. نتایج محاسبه مشخص می‌کند که «شاخص سن» طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ تقریباً دارای روند صعودی بوده و فقط در سالهای ۱۳۶۹، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ با کاهش روبرو شده است. در مجموع سال ۱۳۸۶ بهترین و سال ۱۳۶۹ بدترین سال بر مبنای این شاخص است. اما نکته قابل توجه این است که این شاخص، بیشتر نسبت به درآمد یا مصرف حساس بوده و مقایسه ضرایب همبستگی «شاخص سن»، «مصرف سرانه» و «ضریب جینی» نیز مؤید حساسیت بالای «شاخص رفاه اجتماعی» نسبت به «مصرف سرانه» (۰/۹۹) و حساسیت پایین آن نسبت به «ضریب جینی» (۰/۱۹) است.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه پایدار، رشد اقتصادی، توزیع درآمد، ضریب جینی، شاخص رفاه سن و یارانه‌ها.

۱. مقدمه

پیش از دهه ۱۹۹۰ میلادی، رویارویی با مسئله فقر و نابرابری فقط به عنوان یک مسئله اخلاقی مطرح بود و وارد کردن چگونگی توزیع درآمد و مباحث مرتبط با فقر در مباحث علمی و سیاست‌گذاری‌ها غیرضروری دانسته می‌شد. اما امروزه با روشن شدن آثار تعیین‌کننده فقر اقتصادی بر الگوهای مصرف- تولید، جنبه‌های انگیزشی انسان، روندهای تخریب محیط زیست، سطح انباشت سرمایه‌های انسانی و ثبات سیاسی و ارزشهای اجتماعی، دیگر کسی برخورد با مسئله فقر را فقط یک رویکرد اخلاقی به شمار نمی‌آورد. به طوری که اعتبار و سرنوشت برنامه‌های توسعه چه کوتاه‌مدت و چه بلندمدت در گرو نحوه برخورد آنها با مسئله فقر است. در همین ارتباط، قرن بیست

* کارشناسی ارشد اقتصاد، رئیس گروه یارانه‌ها، معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی

** کارشناسی ارشد اقتصاد، کارشناس گروه انرژی، معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی

و یکم، با شعار همبستگی و تصمیم برای رهایی جهان از فقر و ایجاد شرایط توسعه همه‌جانبه و پایدار برای همه کشورها آغاز شد و رهبران کشورها، همصدا شدند تا تلاشی جدی و مستمر را برای توسعه و کاهش فقر تا سال ۲۰۱۵ یا حتی زودتر از آن دنبال کنند. دلیل این همبستگی مطالعاتی است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی صورت گرفت. این مطالعات در مورد شرایط توسعه، وضع رفاه و توزیع فقر بود و نشان می‌داد متوسط رشد درآمد سرانه در ۱۲۵ کشور در حال توسعه و در حال گذار، کمتر از سه درصد بوده و در ۵۴ کشور، متوسط درآمد سرانه دارای روند کاهشی بوده است.^۱

به هر حال در بسیاری از کشورها به‌رغم آنکه میانگین‌های ملی بیان‌کننده پیشرفتی قابل قبول و در راستای اهداف توسعه بوده اما گروه‌ها و مناطق خاصی از آنها از قافله پیشرفت عقب مانده‌اند. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، شبکه ناهمگون و از هم گسیخته شهری ایجاد شده که نشان‌دهنده رشد یک یا چند شهر (بیشتر بر پایه منابع سایر شهرها) و عقب ماندگی و ناتوانی سایر شهرهای کشور است. روند رو به رشد شهرنشینی همراه با مهاجرت روستاییان به شهرها و همچنین مهاجرت از شهرهای کوچک به مرکز استان و در نهایت به چند شهر مشخص، در کنار سیر تحولات اقتصادی-اجتماعی و سیاسی از مهمترین عوامل ایجاد الگوی نامتوازن نظام شهری در کشورهای در حال توسعه و همین‌طور ایران بوده است. تجمع و تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در چند قطب مهم سبب شکل‌گیری آرایش فضایی ویژه‌ای شده‌است که امانوئل کاستل^۲ آن را پدیده «تک سری» یا پدیده «ماکروسفالی»^۳ نام نهاده است.

این مشکلات، اغلب ناشی از تنظیم برنامه‌های توسعه با نگرش صرف اقتصادی و بدون توجه به بازتاب‌های اجتماعی و منطقه‌ای آن است. این دیدگاه از توسعه که منطبق با دیدگاه نظریه‌پردازان توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ است با تلقی مفهوم رشد از توسعه، فقط به دنبال رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه است. از اوایل دهه ۱۹۷۰، مفهوم توسعه با تحولات اساسی مواجه شد. اما با توجه به اینکه بیانیه هزاره سازمان ملل، سال ۲۰۱۵ را زمان دستیابی به اهداف خود اعلام کرده و اکنون کشورها در میانه راه این دوره ۱۵ ساله قرار دارند، در این مقاله سعی می‌شود با بررسی آمار و اطلاعات هزینه-درآمد خانوار به بررسی شاخص‌های توزیع درآمد و ارتباط آنها با رشد اقتصادی و سطح برخورداری از رفاه پرداخته شود.

۱. گزارش‌های اهداف توسعه هزاره - سازمان ملل متحد. ۵۴ کشور با درآمد سرانه نژولی شامل ۲۰ کشور صحرای آفریقا، ۱۷ کشور از اروپای شرقی و کشورهای مشترک‌المنافع مستقل، ۶ کشور از آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، ۶ کشور از آسیای شرقی و حوزه پاسیفیک و ۵ کشور از کشورهای عربی می‌شدند.

۲. نگرش حاکم بر برنامه‌های توسعه و توزیع درآمد در ایران

ایران در برنامه‌های توسعه با توجه به میانی به کار گرفته شده توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، بیشتر از الگوهای غالب توسعه و مطرح جهان استفاده کرده است. به طوری که تا پیش از برنامه پنجم پیش از انقلاب اسلامی، هماهنگی با نظریه غالب بین‌المللی، رشد اقتصادی عامل اصلی توسعه انگاشته می‌شد. اما در برنامه پنجم همزمان با نظریه‌های دهه ۱۹۷۰، جنبه‌های اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی نیز به این مفهوم اضافه شد. در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب اسلامی نه تنها برنامه‌های توسعه با عنوان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح شد، به تبعیت از جو غالب اواخر دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، سیاستهای تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیز در برنامه‌ها گنجانده شد.

نکته حائز اهمیت آن است که از ابتدای برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای در کشور، تفکر آمایشی و فضایی جایگاهی در اقتصاد ایران نداشته و اغلب نگرش بخشی بر نظام برنامه‌ریزی کشور حاکم بوده است. به طوری که تاکنون سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نرخ رشد اقتصادی معینی را به عنوان هدف تعیین می‌کردند. با چنین نگرشی آنچه مورد غفلت قرار می‌گیرد (یا حداقل مورد توجه اصلی برنامه‌ریز نیست) مناطق، بخشها، جغرافیای سرزمین و چگونگی توزیع منابع، امکانات و رشد بین مناطق مختلف کشور است. نتیجه چنین نگرشی، عدم تعادل و توازن بین بخشهای مختلف اقتصادی و گروههای درآمدی است.

الگوی رشد و توسعه اقتصادی مبتنی بر قطبهای صنعتی و کشاورزی در مناطق محدودی از شهرها و روستاهای کشور سبب توزیع ناهمگون دستاوردهای توسعه همراه با توزیع ناعادلانه درآمد و رفاه اجتماعی شده است. همچنین رشد اقتصادی مبتنی بر بخش دولتی و عمومی موجب هدایت منابع به سمت مناطق خاص و توزیع رانتهای اقتصادی میان صاحبان کسب و کارهای بزرگ و بی‌توجهی به حقوق مالکیت اقشار کم‌درآمد شده که این امر بی‌تعادلی منطقه‌ای و توزیع نابرابر درآمد و رفاه را تشدید کرده است. توجه به توسعه روستایی توسط دولت ابتدا به وسیله وزارت جهاد سازندگی و در ادامه به وسیله وزارت جهاد کشاورزی، از طریق احداث راهها، برق‌رسانی، ایجاد زیربنای توسعه و تأمین کالاهای اساسی به قیمت یارانه‌ای، تحت پوشش قرار دادن اقشار آسیب‌پذیر، گسترش بیمه‌های روستایی و نظایر آن شاخصهای توزیع درآمد و توسعه انسانی را طی سالهای اخیر در مناطق روستایی بهبود داده اما تا رسیدن به سطح مطلوب فاصله زیادی در پیش است.

علاوه بر مشکلات نظامهای برنامه‌ریزی، نبود آمار و ارقام به هنگام نیز از دیگر کاستی‌های موجود در کشور است که امکان مطالعه و بررسی زوایای نابرابری و متغیرهای مؤثر بر آن را با مشکل روبرو کرده است. با وجود این توجه به آمار بودجه خانوار کل کشور حکایت از تغییرات

مثبتی در نظام توزیع دارد، اگرچه این تغییرات کند و ناچیز بوده است. بررسی آمار هزینه و درآمد خانوار نکاتی به این شرح را بیان می‌کند:

- هر اندازه سطح تحصیلات افزایش می‌یابد سطح فقر کاهش می‌یابد و افراد در دهکهای بالاتر درآمدی قرار می‌گیرند.

- فقر به طور عمده در خانوار پرجمعیت شایع است.

- فقر در خانوار جوان بیش از خانوار مسن است.

- در مناطق روستایی و خانواری که دارای سرپرست زن هستند پدیده فقر مشهودتر است.

- بیکاری، ریسک فقر را افزایش می‌دهد.

- شاغلان بخش خصوصی بیشتر در معرض فقر قرار دارند.

نابرابری و ناموزونی توزیع درآمد، جلوه‌های گوناگونی در جامعه امروز ایران دارد که می‌توان به نابرابری میان گروههای بالا و پایین درآمدی و تفاوت استاندارد، نوع و کیفیت زندگی در شهرهای بزرگ اشاره کرد. نابرابریهای موجود در جوامع به عوامل متعددی بستگی دارد که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- تفاوت در توانایی‌های اولیه و ذاتی انسان‌ها.

- تفاوت در سلیقه‌ها که از طریق تفاوت در درجه جانشینی بین کار (درآمد) و استراحت و تفاوت در انگیزه‌ها و محرک‌های انسانی، خود را نشان می‌دهد.

- تفاوت در امکان بهره‌برداری از دارایی‌ها و وسایل تولید.

- قدرت سیاسی افراد و جایگاه آنها در سلسله منزلت اجتماعی.

- نبود سیستم مناسب باز توزیع درآمد که خود از نبود نظامهای مالیاتی و تأمین اجتماعی فراگیر حاصل می‌شود.

در راستای کاهش نابرابریهای موجود و بهبود شاخصهای توزیع درآمد در جوامع، دولتها از سیاستهای حمایتی استفاده کرده و اعتباراتی را در بودجه منظور و در قالب یارانه‌ها هزینه می‌کنند. بر این اساس، یارانه‌ها پرداختهای انتقالی بلاعوض نقدی و غیرنقدی هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برای افزایش قدرت خرید واقعی مصرف‌کنندگان، افزایش قدرت فروش تولیدکنندگان، عادلانه‌تر کردن توزیع درآمد، ثبات اقتصادی و جبران آثار حاصل از سیاستهای دولت به منظور حفظ یا ارتقای رفاه اجتماعی اعطا می‌شوند.

در ایران نیز بررسی اهداف مرتبط با توزیع درآمد پس از انقلاب اسلامی بیان‌کننده آن است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی، در راستای سیاستهای کلی نظام، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و قوانین سنواتی بودجه، مبنای فعالیتهای خود را بر پایه رویکرد عملگرایی و در راستای توسعه عدالت اجتماعی و توزیع درآمد و ثروت میان اقشار محروم

قرار داده‌اند. در این ارتباط توسعه منطقه‌ای دورترین نقاط محروم در کشور و تحرک و سرعت بخشیدن به اجرای طرح‌های ملی و استانی و ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای در کشور از اهمیت خاصی برخوردار بوده که برای تحقق اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی در زمینه برقراری عدالت اجتماعی، ریشه کن کردن فقر و دستیابی به توسعه پایدار در کشور همراه با رفع تبعیضات منطقه‌ایی مبنای عمل قرار گرفته است.

اهمیت این موضوع سبب شده که در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور تأکید شود که در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه، باید کاهش فاصله درآمد میان دهکهای بالا و پایین جامعه و ایجاد فرصتهای برابر مدنظر قرار گیرد. بر این اساس در قانون برنامه چهارم در مواد «۹۵» و «۱۳۵» دولت مکلف شده به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهکهای درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و توانمند سازی فقرا، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه پرداختی، برنامه‌های جامع فقر زدایی و عدالت اجتماعی را تهیه و به اجرا بگذارد. از این رو برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و باز توزیع درآمد به عنوان یکی از وظایف دولت در حوزه امور حاکمیتی تعیین شده است. در ادامه برای آن که بتوان به یک تصویر روشن از وضع رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران دست یافت با استفاده از آمار بودجه خانوار به محاسبه شاخصهای مربوط طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ در مناطق شهری پرداخته شده است.

۳. معرفی شاخص‌های توزیع درآمد

برای بررسی وضعیت توزیع درآمد شاخص‌های متعددی وجود دارد. در ادامه این بخش به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف - ضریب جینی که از متداول‌ترین شاخص‌های نابرابری درآمد است، نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمد در جامعه هدف به حداکثر اندازه نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد کاملاً نابرابر را اندازه گیری می‌کند. از نظر ترسیمی نیز ضریب جینی نسبت مساحت لورنز (سطح بین منحنی لورنز توزیع درآمد و خط برابری کامل توزیع درآمد) به مساحت مثلث زیر خط برابری کامل توزیع درآمد (نابرابری مطلق در شرایطی که تمام درآمد جامعه به یک فرد تعلق داشته و سایرین هیچ درآمدی نداشته باشند) است. بنابراین ضریب جینی را می‌توان در حالت نابرابری مطلق توزیع درآمد به این صورت محاسبه کرد:

$$G = \frac{1}{2\alpha} - \frac{1}{n^2} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n |X_i - X_j| \quad (1)$$

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2}{n^2} \{ (nx_1) + [(n-1)x_2] + \dots + X_n \} \quad (2)$$

اگر n به اندازه کافی بزرگ باشد، اندازه ضریب جینی به سمت عدد یک میل می‌کند و اصل بهنجارسازی را به همراه دارد.

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2}{n} = \frac{n-1}{n} \quad (۳)$$

ب- برای ارزیابی وضع رفاه اجتماعی از شاخص «سن» که توسط آمارتیا سن^۱ معرفی شده استفاده می‌شود. بر اساس این شاخص تغییرات درآمد (درآمد سرانه یا مصرف سرانه) و توزیع درآمد (ضریب جینی) به طور همزمان مورد توجه قرار می‌گیرد.

$$w = \eta(I - G) \quad (۴)$$

η = درآمد سرانه (مصرف سرانه) G = ضریب جینی w = شاخص سن

اما با توجه به اینکه هدف سیاست‌گذاران اقتصادی بیشتر حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و تولیدکنندگان داخلی در راستای تغییر رفاه گروههای هدف است، بر این اساس استفاده از تابع رفاه اجتماعی به صورت تابعی از رفاه گروههای مختلف جامعه از برتری بیشتری نسبت به مقایسه فردی برخوردار است.

$$SWF : W = W(U_1, \dots, U_n) \quad (۵)$$

U_i رفاه هر یک از گروههای اجتماعی را نشان می‌دهد. این تابع، تابعی سیاسی است که هیچ معیاری برای تعیین شکل آن وجود ندارد و اغلب تعیین شکل آن به سیاست‌گذار سپرده می‌شود. در واقع این سیاست‌گذار است که وزن هر یک از گروههای اجتماعی را تعیین می‌کند. از این رو بهتر است تابع به این شکل مورد استفاده قرار گیرد:

$$SWF : W = W(\alpha_1 U_1, \dots, \alpha_n U_n) \quad (۶)$$

که در آن α_i وزن اجتماعی هر یک از گروههای اجتماعی است و با استفاده از این تابع می‌توان ترکیبات گوناگون رفاه گروههای مختلف را رتبه‌بندی کرد. این کار مانند تئوری مصرف با استفاده از منحنی بی‌تفاوتی اجتماعی صورت می‌پذیرد. به طور معمول فرض می‌شود که:

$$\delta W / \delta U_i > 0$$

منحنی بی تفاوتی اجتماعی مکان هندسی ترکیبات گوناگونی از رفاه گروههای مختلف اجتماعی است که در کل رفاه اجتماعی یکسانی را ایجاد می کند. این منحنی دارای شیب منفی بوده و نسبت به مبدأ مختصات محدب است. چنانچه فقط دو گروه اجتماعی مثل مصرف کنندگان و تولید کنندگان در نظر گرفته شوند، منحنی های بی تفاوتی اجتماعی را می توان به صورت دو بعدی نشان داد. در این میان اگر ساز و کار دست نامریی، مازاد اجتماعی را به نحوی توزیع کند که بخشی از اقشار جامعه در نقطه نامطلوبی قرار گیرند، می توان با روشهای مختلف پرداختهای انتقالی یا استفاده از سایر ابزارهای سیاستی، امکان حرکت در طول یک منحنی بی تفاوتی یا انتقال از یک منحنی به منحنی دیگر را ایجاد کرد.

ج- از دیگر مبناهای مقایسه توزیع درآمد بررسی سهم ۴۰ درصد پایین درآمدی (مجموع دهکهای اول و دوم درآمدی (هزینه ای))، ۲۰ درصد بالای درآمدی (مجموع دهکهای نهم و دهم درآمدی (هزینه ای)) و همچنین نسبت درآمد (هزینه) افراد دهک دهم به درآمد افراد دهک اول است.

د- برای مقایسه رابطه همبستگی بین شاخص «رفاه اجتماعی سن» (به عنوان معیار اندازه گیری رفاه جامعه)، مصرف و «ضریب جینی» از برآورد ضریب همبستگی^۱ استفاده شده است. هدف از مطالعات همبستگی، یافتن ارتباط بین این شاخصهاست.

یک مطالعه همبستگی سه نتیجه محتمل همبستگی مثبت، منفی و نبود همبستگی را به همراه دارد. ضریب همبستگی معیاری برای مشخص ساختن شدت و ضعف همبستگی است و می تواند از ۱- تا +۱ تغییر کند.

• همبستگی مثبت: هر دو متغیر در یک زمان کاهش یا افزایش می یابند. ضریب همبستگی نزدیک به +۱ یک همبستگی مثبت قوی را نشان می دهد.

• همبستگی منفی: نشان می دهد که با افزایش مقدار یک متغیر، دیگری کاهش می یابد و برعکس. ضریب همبستگی نزدیک به -۱ نشان دهنده یک همبستگی منفی قوی است.

• نبود همبستگی: در این حالت ارتباطی بین دو متغیر وجود ندارد. ضریب همبستگی صفر، نبود همبستگی را نشان می دهد.

$$\text{cov}_{ij} = \sigma_i \sigma_j \rho_{ij} \quad (7)$$

در رابطه آخر σ_i و σ_j بیان کننده انحراف استانداردهای شاخص سن (i) با متغیرهای ضریب جینی و مصرف سرانه (j) و نماد ρ_{ij} نشان دهنده ضریب همبستگی بین متغیرهای i و j می باشد:

$$\rho_{ij} = \text{cov}_{ij} / \sigma_i \sigma_j \quad (8)$$

۴. نتایج محاسبات

با توجه به نکات مطرح شده، شاخصهای ضریب جینی و رفاه سن و همچنین نسبت سهم دهکهای درآمدی (هزینه‌ای) برای دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ محاسبه شده و نتایج آن در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های رشد و توزیع درآمد در مناطق شهری

سال	مصرف سرانه (نقاط شهری) - هزار ریال، ثابت ۱۳۷۶	ضریب جینی	شاخص رفاه اجتماعی ثابت ۱۳۷۶	اول سهم مصرف دهک دهم به بالا	سهم ۲۰ درصدی خانوار با درآمد بالا	سهم ۴۰ درصدی خانوار کم درآمد	سهم ۴۰ درصدی خانوار با درآمد متوسط
۱۳۶۸	۲۵۴۵۹	۰/۴۰۹۲	۹۰/۶۰	۱۷/۶	۴۷/۰۷	۱۴/۸۰	۲۸/۱۳
۱۳۶۹	۲۴۵۶۶	۰/۳۹۶۹	۸۹/۲۴	۱۵/۹	۴۶/۲۱	۱۵/۵۶	۲۸/۲۳
۱۳۷۰	۲۶۹۶۳	۰/۳۹۶۹	۹۷/۵۱	۱۶/۳	۴۶/۵۹	۱۵/۵۸	۳۷/۸۳
۱۳۷۱	۲۸۱۷۸	۰/۳۸۷۰	۱۰۴/۰۵	۱۵/۹	۴۵/۲۶	۱۶/۰۶	۳۸/۶۸
۱۳۷۲	۲۸۳۷۴	۰/۳۹۷۶	۱۰۲/۹۶	۱۶/۰	۴۶/۷۴	۱۵/۷۱	۳۷/۵۵
۱۳۷۳	۲۸۱۴۷	۰/۳۹۹۳	۱۰۱/۸۵	۱۵/۷	۴۷/۰۴	۱۵/۸۷	۳۷/۰۹
۱۳۷۴	۲۶۵۶۹	۰/۴۰۷۴	۹۴/۸۴	۱۶/۱	۴۷/۵۴	۱۵/۳۵	۳۷/۱۱
۱۳۷۵	۲۷۴۶۱	۰/۳۹۱۰	۱۰۰/۷۴	۱۴/۵	۴۶/۱۷	۱۶/۲۴	۳۷/۶
۱۳۷۶	۲۷۸۰۳	۰/۴۰۲۹	۱۰۰/۰۰	۱۵/۷	۴۷/۱۳	۱۵/۵۶	۳۷/۳۱
۱۳۷۷	۲۹۴۶۹	۰/۳۹۶۵	۱۰۷/۱۳	۱۴/۲	۴۶/۷۶	۱۶/۰۳	۳۷/۲۱
۱۳۷۸	۳۰۱۸۸	۰/۴۰۰۹	۱۰۸/۹۴	۱۵/۴	۴۷/۰۹	۱۵/۷۷	۳۷/۱۴
۱۳۷۹	۳۲۰۸۲	۰/۳۹۹۱	۱۱۶/۱۲	۱۵/۰	۴۷	۱۵/۸۹	۳۷/۱۱
۱۳۸۰	۳۳۵۹۷	۰/۳۹۸۵	۱۲۱/۷۳	۱۴/۴	۴۶/۹۲	۱۵/۹۴	۳۷/۱۴
۱۳۸۱	۳۶۸۰۲	۰/۴۱۹۱	۱۲۸/۷۷	۱۶/۹	۴۸/۹۵	۱۴/۹۸	۳۶/۰۶
۱۳۸۲	۳۷۵۳۱	۰/۴۱۵۶	۱۳۲/۱۱	۱۶/۲	۴۸/۴۲	۱۵/۰۵	۳۶/۵۴
۱۳۸۳	۴۱۴۷۰	۰/۳۹۹۶	۱۴۹/۹۸	۱۴/۶	۴۷/۱۰	۱۵/۸۳	۳۷/۰۷
۱۳۸۴	۴۳۰۶۲	۰/۴۰۲۳	۱۶۱/۴۲	۱۴/۵	۴۷/۳۸	۱۵/۷۶	۳۶/۸۶
۱۳۸۵	۴۴۸۵۳	۰/۴۰۰۴	۱۶۲	۱۴/۹	۴۶/۸۴	۱۵/۶۳	۳۷/۵۳
۱۳۸۶	۴۶۶۴۶ ^۸	۰/۴	۱۶۸	۱۵/۱۷	۴۸/۵۱	۱۵/۵۳	۳۵/۹۳

منبع: بانک اطلاعاتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و محاسبات تحقیق

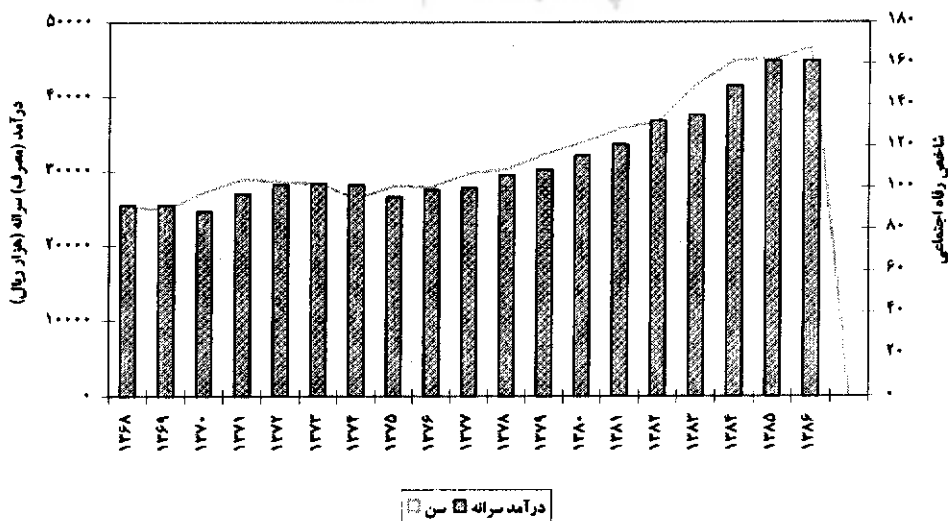
نتایج شاخص ضریب جینی مشخص می‌کند که تفاوت معنی‌داری در توزیع درآمد طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ ایجاد نشده است. اما طی این دوره، ۱۳۸۱ بهترین سال و ۱۳۷۷ بدترین سال بوده است.

نتایج شاخص «رفاه اجتماعی سن» مشخص می‌کند که طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ این شاخص تقریباً روند صعودی داشته و فقط در سالهای ۱۳۶۹، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶ با کاهش روبرو شده است. در مجموع سال ۱۳۸۶ بهترین و سال ۱۳۶۹ بدترین سال این دوره بوده است. نکته قابل توجه این است که این شاخص بیشتر به درآمد یا مصرف حساس است.

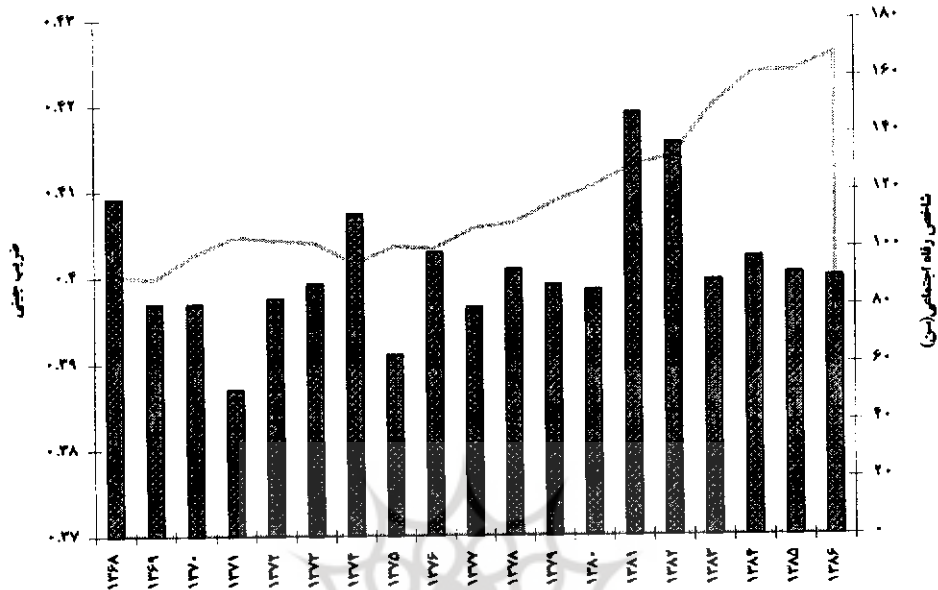
آمار مندرج در جدول (۱) حاکی از آن است که در سال اول برنامه اول توسعه به رغم کاهش مصرف سرانه مناطق شهری، سهم ۴۰ درصد اقشار کم درآمد افزایش یافته است و از سال ۱۳۷۰ افزایش مصرف سرانه و سهم ۴۰ درصد اقشار کم درآمد هم راستا بوده است اما در سال آخر برنامه اول (۱۳۷۲) با کاهش روبرو شده است. در سال ۱۳۷۳ که در واقع کشور برنامه‌ای برای توسعه نداشت، مصرف سرانه و سهم ۴۰ درصد کم درآمد، هر دو با کاهش مواجه شد. طی دوران برنامه دوم توسعه، مصرف سرانه افزایش یافت اما تغییر معنی‌داری در سهم ۴۰ درصد اقشار کم درآمد دیده نشد. در برنامه سوم توسعه طی روند رو به رشد افزایش مصرف سرانه، سهم ۴۰ درصد یادشده در دو سال اول و آخر افزایش و در سال سوم با کاهش روبرو بود. در سال ۱۳۸۶ همراه با افزایش مصرف سرانه، سهم ۴۰ درصد کم درآمد و ۴۰ درصد با درآمد متوسط نیز با کاهش مواجه شد. در مورد سهم درآمد دهک دهم به دهک اول نیز طی دوره مطالعه، سال ۱۳۷۷ کمترین و سال ۱۳۶۸ بالاترین رقم این شاخص را به خود اختصاص داده است.

نتایج به دست آمده از ضرایب همبستگی شاخصهای سن، مصرف سرانه و ضریب جینی نیز مؤید حساسیت بالای شاخص رفاه اجتماعی نسبت به مصرف سرانه (۰/۹۷) و حساسیت پایین آن نسبت به ضریب جینی (۰/۲۲) است. نمودار (۱) روند زمانی شاخصهای رفاه اجتماعی و مصرف سرانه و نمودار (۲)، شاخص رفاه اجتماعی و ضریب جینی را مشخص می‌کند.

نمودار ۱. مقایسه مصرف سرانه و شاخص رفاه اجتماعی (شاخص سن)



نمودار ۲. مقایسه ضریب جینی و شاخص رفاه اجتماعی (شاخص سن)



۵. رابطه همبستگی بین عوامل مؤثر بر توزیع درآمد

دولتها همواره سعی کرده‌اند توزیع عادلانه درآمد را به عنوان یکی از اهداف مهم اقتصادی و اجتماعی دنبال کنند و از مهمترین ابزار دولتها در این مورد می‌توان به گسترش سیستم‌های حمایتی و پرداخت یارانه‌های مستقیم و غیر مستقیم در راستای برقراری عدالت اجتماعی اشاره کرد. اما موفقیت در این مسیر تحت تأثیر متغیرهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی متعددی است. از مهمترین عوامل فرهنگی و زیست محیطی می‌توان به تمرکز زمین، اقتصاد سایه‌ای، فساد و نبود منابع طبیعی اشاره کرد. اما بخش مهمی از متغیرهای تأثیرگذار بر نابرابری را عوامل ساختاری مانند سطح تحصیلات تشکیل می‌دهند که در کوتاه‌مدت نمی‌توان انتظار تغییرات وسیع را در این حیطه داشت. در ادامه بحث به بررسی ارتباط برخی از شاخصهای کلان اقتصادی با توزیع درآمد پرداخته می‌شود.

۵-۱. نسبت یارانه‌ها به بودجه دولت و نیز نسبت یارانه‌ها به تولید ناخالص داخلی

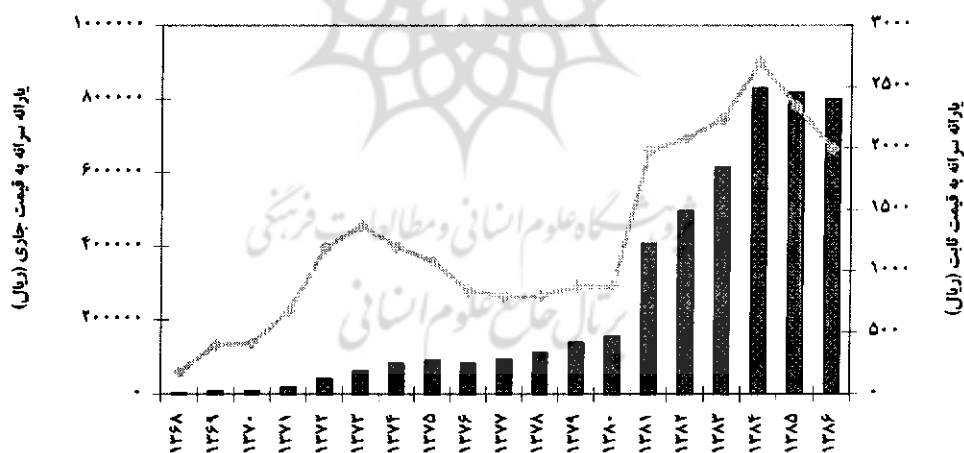
از شاخصهای مؤثر بر توزیع درآمد، نسبت یارانه‌ها به بودجه دولت و نیز نسبت یارانه‌ها به تولید ناخالص داخلی است. در این مورد ضریب همبستگی بین این دو شاخص و ضریب جینی به ترتیب ۰/۲۴- و ۰/۲۴+ است. علامت منفی نشان‌دهنده همبستگی منفی بین متغیر با ضریب جینی است. به این معنی که افزایش سهم یارانه‌ها در بودجه دولت باعث بدتر شدن ضریب جینی می‌شود اما افزایش تولید ناخالص داخلی و یا به بیانی دیگر رشد اقتصادی دارای تاثیر مثبت بر ضریب جینی داشته است.

۵-۲. مالیات و یارانه

از سیاستهای بارز دولتها در مورد باز توزیع درآمد و برقراری عدالت اجتماعی، سیاستهای دریافت مالیات و پرداخت یارانه است. آمار و اطلاعات مندرج در جدول (۲) میزان پرداخت یارانه‌های دولت به قیمت جاری و ثابت طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۶۷ را نشان می‌دهد. به این ترتیب، افزایش حجم یارانه‌ها به قیمت‌های جاری نشان‌دهنده تلاش بیشتر دولت در راستای افزایش قدرت خرید اقشار کم درآمد است، ولی چنانچه این ارقام به قیمت‌های ثابت مورد توجه قرار نگیرد، بررسی آثار کمک‌های دولت در زمینه بهبود نسبی رفاه عمومی تقریباً گمراه کننده خواهد بود.

بررسی تغییرات یارانه‌ها به قیمت ثابت (۱۰۰=۱۳۷۶) نشان می‌دهد که کمک‌های دولت در طول برنامه اول توسعه آثار مثبتی را به همراه داشته است اما طی سالهای برنامه دوم به‌رغم این که دولت مبالغ بیشتری از بودجه عمومی را صرف پایین نگه داشتن قیمت مواد غذایی مصرفی و حفظ قدرت خرید جامعه کرد، ولی در انجام این هدف چندان موفق نبوده است. بررسی یارانه سرانه به قیمت ثابت نیز مؤید این ادعا است. نمودار (۳) روند یارانه‌های سرانه را به قیمت ثابت و جاری نشان می‌دهد.

نمودار ۳. مقایسه یارانه سرانه به قیمت ثابت و یارانه سرانه به قیمت جاری



همان‌طور که مشخص است یارانه سرانه به قیمت‌های جاری بیان‌کننده روند افزایشی پوشش‌های حمایتی دولت است، ولی با توجه به افزایش جمعیت و سطح عمومی قیمت‌ها، آثار این کمک‌ها بر حفظ قدرت خرید اقشار کم درآمد ناچیز بوده است. در سال ۱۳۸۶ که دولت برای هر فرد مبلغ ۷۹۹ هزار ریال یارانه برای کالاهای مختلف هزینه کرد، توانست قدرت خریدی به میزان ۱۹۹۴ ریال برای مصرف‌کننده به وجود آورد. ضریب همبستگی بین ضریب جینی و یارانه به قیمت ثابت معادل ۰/۳۷ و ضریب جینی و یارانه سرانه به قیمت جاری معادل ۰/۳۲۴ است.

این نتایج نشان می‌دهد مادامی که دولت نتواند سطح عمومی قیمت‌ها را کنترل کند، کمک‌های رفاهی دولت (در شرایط توزیع یکسان روی تمام گروه‌های درآمدی) ممکن است آثار مثبت چندانی بر سطح رفاه عمومی نداشته باشد. بنابراین کنترل نرخ تورم و مهمتر از آن هدفمند کردن یارانه و اختصاص آن به اقشار ضعیف جامعه پس از شناسایی کامل آنها باید در اولویت قرار گیرد. هدف غالب سیاست‌هایی که در اقتصاد اتخاذ می‌شود، بهبود شرایط اقتصادی است که در نهایت در رفاه اجتماعی انعکاس می‌یابد و از آنجا که سیاست‌های پولی به طور مکرر در اقتصاد ایران به کار گرفته می‌شود، اندازه‌گیری اثر این دسته از سیاست‌ها بر تابع رفاه می‌تواند اهمیت به سزایی داشته باشد که میزان این اثر بسته به ابزارهای پولی انتخاب شده متفاوت است. بر این اساس سیاست‌های پولی با توجه به عمق و دامنه اثرگذاری، قادرند از طریق تثبیت شرایط تعادل، رفاه اجتماعی را بهبود بخشند.

۳-۵. تورم

از دیگر متغیرهای مؤثر بر توزیع درآمد، تورم است. بررسی رابطه تورم با نابرابری درآمد در ایران، نشان‌دهنده تأثیر منفی این متغیر بر نابرابری است، به طوری که ضریب همبستگی تورم و ضریب جینی ۰/۲۱- است.

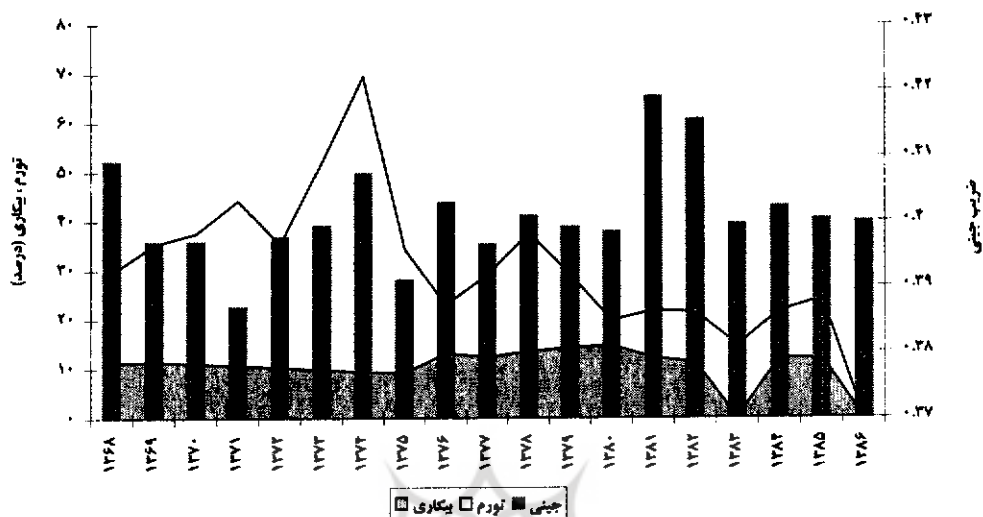
۴-۵. حجم نقدینگی

این متغیر به عنوان نمادی از سیاست‌های پولی و یکی از عوامل مؤثر بر تورم، ضریب همبستگی معادل ۰/۲۳ با ضریب جینی دارد.

۵-۵. بیکاری

بیکاری از دیگر عوامل مؤثر بر توزیع درآمد است. از مطالعات انجام گرفته در خصوص آثار بیکاری بر توزیع درآمد می‌توان به مطالعه نیلسون و الدرسون^۱ در مورد آمریکا اشاره کرد این مطالعه نشان‌دهنده آن است که در سال ۱۹۸۰ افزایش بیکاری به کاهش نابرابری‌ها انجامید. اما در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰، این رابطه بی‌معنی بوده است. همچنین مطالعه صورت گرفته توسط بلانک و کارد^۲ در سال ۱۹۹۳ نشان می‌دهد که بیکاری اصولاً تأثیری بر نابرابری‌ها ندارد. اما در اقتصاد ایران ضریب همبستگی بین دو متغیر بیکاری و ضریب جینی ۰/۱۱ بوده و نشان‌دهنده آن است که ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش اشتغال می‌تواند از اقدام‌های مؤثر دولت در راستای بهبود توزیع درآمد به شمار آید.

نمودار ۴. مقایسه روند تورم و بیکاری و ضریب جینی



۵-۶. حجم دولت

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد، اندازه دولت است. مخارج دولت می‌تواند اثر باز توزیعی درآمد را به دنبال داشته و نابرابری‌ها را در اقتصاد کاهش دهد. ضریب همبستگی بین نسبت بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص اندازه دولت و نابرابری در کشور و ضریب جینی، معادل ۰/۴۴۸- است که نشان می‌دهد افزایش این شاخص، ضریب جینی را کاهش و نابرابری را بهبود می‌بخشد. ضریب همبستگی بین بودجه دولت و ضریب جینی نیز معادل ۰/۳۰۴ است.

۵-۷. رشد اقتصادی

از عوامل مؤثر دیگر بر توزیع درآمد، رشد اقتصادی است. در دهه ۱۹۵۰ اقتصاددانان با تمرکز بر رشد اقتصادی و تلاش در راستای افزایش درآمد ملی بر این باور بودند که افزایش تولید، سهم بیشتر افراد جامعه از درآمد ملی را به دنبال خواهد داشت. آنها معتقد بودند که افزایش درآمد و تولید، سبب افزایش برخورداری افراد جامعه خواهد شد. اما برای رشد تولید، نیاز به منابع تولید است که می‌بایست متمرکز شود تا به سرمایه‌گذاری و تولید اختصاص یابد.

برخی از اقتصاددانان توسعه در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ بر این باور بودند که در مراحل ابتدایی توسعه با توجه به اینکه میل نهایی به پس انداز ثروتمندان بیش از فقرا بوده و انباشت پس‌انداز آنها می‌تواند به سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی منتهی شود بنابراین در ابتدا باید نابرابریها افزایش و بعد از طی مدتی مطابق با نظریه کوزنتس، ثمره‌های حاصل از رشد اقتصادی نصیب گروه‌های فقیر و کم درآمد شده و در نتیجه توزیع درآمد در جامعه بهبود یابد. اما بیش از یک دهه رشد نسبتاً سریع اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در سالهای ۱۹۶۰ نشان داد که منافع رشد

اقتصادی، نصیب گروه‌های خاصی از افراد جامعه شده و شکاف درآمدی بین فقرا و ثروتمندان افزایش می‌یابد. در مجموع نظریه‌های مرتبط تاکنون نتوانسته به طور مطلق در این مورد اعلام نظر کند. اما در اقتصاد ایران ضریب همبستگی بین رشد اقتصادی و ضریب جینی طی دوره ۱۳۶۸ الی ۱۳۸۶ معادل ۰/۱۵ است. همان‌طور که مشخص است ارتباط رشد اقتصادی و بهبود توزیع درآمد مثبت اما کم کشش است.

جدول ۲. روند سهم برخی از مهمترین متغیرهای موثر بر توزیع درآمد طی سالهای (۱۳۸۶-۱۳۷۸) (۱۰۰=۱۳۷۶)

سال	کل یارانه‌ها به قیمت جاری (میلیارد ریال)	بودجه دولت (میلیارد ریال)	نسبت یارانه‌ها به بودجه دولت (درصد)	نسبت یارانه‌ها به درآمدهای مالیاتی (درصد)	نسبت یارانه‌ها به تولید ناخالص داخلی (درصد)	کل یارانه‌ها به قیمت ثابت (میلیارد ریال)	یارانه سرانه به قیمت جاری (ریال)	یارانه سرانه به قیمت ثابت (ریال)	نرخ تورم	تیکاری
۱۳۶۸	۱۶۲/۵	۴۳۱۶/۷	۳/۸	۱۳/۷	۰/۶۵	۹۵۰	۴۰۵۵	۱۷۹	۱۸/۴۵	۱۱/۲
۱۳۶۹	۴۰۳/۹	۶۰۵۱/۱	۶/۷	۲۳/۸	۰/۰۱	۲۱۷۲	۷۴۱۲	۳۹۸	۲۳/۷۷	۱۱/۵
۱۳۷۰	۵۱۴/۹	۸۰۹۰/۹	۶/۴	۱۸/۶	۱/۰۶	۲۲۹۹	۹۲۲۱	۴۱۲	۲۶/۴۹	۱۱/۱
۱۳۷۱	۱۰۶۳/۸	۱۰۷۵۶/۸	۹/۹	۲۸/۲	۱/۶	۳۸۱۳	۱۸۷۷۶	۶۷۳	۳۳/۵۱	۱۰/۷
۱۳۸۲	۲۳۳۷/۷	۲۰۸۸۶/۹	۱۱/۲	۵۷/۶	۲/۳	۶۸۱۵	۴۰۶۶۴	۱۱۸۶	۲۵/۱۰	۱۰/۳
۱۳۷۳	۳۶۸۶/۱	۲۸۹۱۲/۴	۱۲/۵	۶۷/۱	۲/۸	۷۹۶۱	۶۳۱۹۳	۱۳۶۵	۴۳/۳۲	۹/۸
۱۳۷۴	۴۸۹۵/۱	۴۱۳۳۰/۹	۱۱/۷	۶۶/۹	۲/۶	۷۰۷۴	۸۲۷۰۶	۱۱۹۵	۶۰/۱۳	۹/۴
۱۳۷۵	۵۵۰/۶	۵۶۷۸۳/۱	۹/۵	۴۳/۸	۲/۳	۶۴۶۲	۹۱۶۸۳	۱۰۷۶	۲۵/۱۷	۹/۱
۱۳۷۶	۵۰۸۵/۳	۶۵۴۳۸	۷/۸	۲۹/۳	۱/۷	۵۰۸۵	۸۳۴۵۳	۸۳۵	۹/۸۹	۱۳/۱
۱۳۷۷	۵۸۰۶/۱	۷۰۹۷/۳	۸/۱	۳۱/۱	۱/۸	۴۹۱۶	۹۳۹۰۴	۷۹۵	۱۶/۷۰	۱۲/۴
۱۳۷۸	۷۰۷۱/۲	۹۳۱۶۰/۸	۷/۴	۲۷/۴	۱/۶	۴۹۸۷	۱۱۲۷۱۴	۷۹۵	۲۴/۱۶	۱۳/۵
۱۳۷۹	۸۸۹۸/۱	۱۰۸۳۱۶/۲	۸/۱	۲۳/۱	۱/۵	۵۵۷۲	۱۳۹۷۶۷	۸۷۵	۱۴/۷۷	۱۴/۳
۱۳۸۰	۱۰۰۱۱/۹	۱۳۱۸۸۳	۷/۸	۲۴	۱/۵	۵۶۲۸	۱۵۵۱۵۶	۸۷۲	۵/۰۵	۱۴/۷
۱۳۸۱	۲۶۷۲۴/۷	۲۲۹۹۶۳	۱۱/۶	۵۲/۸	۲/۹	۱۲۹۷۳	۴۰۷۷۶۲	۱۹۷۹	۹/۶۲	۱۲/۲
۱۳۸۲	۳۳۰۴۱/۱	۲۶۳۳۷۵	۱۲/۵	۵۰/۸	۳/۱	۱۳۸۷۱	۴۹۵۵۱۷	۲۰۸۰	۱۰/۱۳	۱۱/۳
۱۳۸۳	۴۱۵۲۸/۱	۳۲۷۳۱۸	۱۲/۷	۴۹/۲	۳	۱۵۱۲۹	۶۱۳۸۱۳	۲۲۳۶	۱۴/۷۰	-
۱۳۸۴	۵۶۹۱۰/۲	۴۶۸۶۲۳	۱۲/۱	۴۲/۳	۳/۳۶	۱۸۵۰۱	۸۲۹۷۴۰	۲۶۹۷	۹/۵۱	۱۲/۱
۱۳۸۵	۵۷۶۶۳	۵۷۴۹۸۴	۱۰	۳۸	۳/۳۳	۱۶۵۰۲	۸۱۷۹۱۵	۲۳۴۱	۱۲/۱۲	۱۲/۱
۱۳۸۶	۵۷۱۹۸	۶۱۲۶۴۵	۹/۲۲	۲۹/۸۳	۲/۳۲	۱۴۲۵۷	۷۹۹۹۷۲	۱۹۹۷	۱۸/۴۰	۱۰/۲

مأخذ: آمار و اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، قوانین بودجه سالهای مختلف و محاسبات تحقیق.

۶. نتیجه‌گیری

از اواسط دهه ۱۹۸۰، ناسازگاری رشد با سیاستهای بازتوزیع درآمد و عدالت اجتماعی که نشئت گرفته از بازارگرایی افراطی و تعطیلی برنامه‌ریزی به دلیل اعتماد به نظام بازار یا به دلیل نارسایی روشهای برنامه‌ریزی قدیمی بود، به وضوح ملموس شد. از این‌رو اصلی‌ترین هدف توسعه یعنی توسعه اجتماعی و انسانی و عدالت اجتماعی با مشکل مواجه شد و حاصل آن گسترش فقر و تبعیض به بهانه برقراری ساز و کار بازار بود.

اما باید توجه شود که سیاستهای کلان اقتصادی اگر موجب رشد پایدار شود، می‌تواند سطح تولید و اشتغال را توأمان تحت تاثیر قرار دهد و هر دو جنبه توزیع و سطح درآمد را متأثر کند. در این میان سیاستهای پولی از طریق تغییرات قیمت و نرخ بهره، سطح تولید را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در کوتاه‌مدت این سیاستها بر فقر و توزیع درآمد از سه راه تاثیرگذار می‌باشد:

- افزایش متوسط درآمدهای حقیقی به طور مستقیم موجب کاهش فقر مطلق می‌شود.

- اجرای سیاست پولی انبساطی از طریق افزایش نرخ مشارکت نیروی کار در تولید، اشتغال نیروی غیرماهر را فراهم می‌کند.

- اثرگذاری این سیاستها از طریق افزایش قیمتها اعمال می‌شود. این ساز و کار از طریق کاهش دستمزد و پرداختهای انتقالی حقیقی، قدرت خرید گروههای فقیر را کاهش می‌دهد و توزیع را به نفع گروههای پر درآمدتر تخریب می‌کند.

در بلندمدت نیز آثار به این شرح خواهد بود:

- اگر در بلندمدت سیاست پولی نتواند رشد تولید و اشتغال را به دنبال داشته باشد، نا اطمینانی و بی‌ثباتی متغیرهای اقتصادی، تضعیف بازارهای پولی و مالی را فراهم می‌آورد که حاصل آن، کاهش سطح تولید و اشتغال و در پی آنها، وخیم‌تر شدن وضع توزیع درآمد و گسترش فقر است.

- بررسی وضع توزیع درآمد و رفاه اجتماعی که در این مطالعه با استفاده از شاخص «سن» مورد توجه قرار گرفته است نشان می‌دهد که طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ این شاخص تقریباً روند صعودی داشته و فقط در سالهای ۱۳۶۹، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶ با کاهش مواجه شده است. در مجموع سال ۱۳۸۶ بهترین و سال ۱۳۶۹ بدترین سال این دوره بوده است. اما نکته قابل توجه این است که حساسیت شاخص بیشتر به درآمد (مصرف) وابسته است. در این ارتباط مقایسه ضرایب همبستگی شاخصهای سن، مصرف سرانه و ضریب جینی نیز مؤید حساسیت بالای شاخص رفاه اجتماعی نسبت به مصرف سرانه (۰/۹۹) و حساسیت پایین آن نسبت به ضریب جینی (۰/۱۹) است.

- بررسی رابطه بین نابرابری و شاخصهای کلان اقتصادی شامل نرخ بیکاری، بودجه عمومی دولت، تولید ناخالص داخلی، تورم و یارانه کالاهای اساسی که با استفاده از برآورد ضریب همبستگی بین

ضریب جینی و شاخصهای یادشده صورت گرفته، نشان‌دهنده رابطه مثبت نابرابری با تورم و بودجه دولت و رابطه منفی با بیکاری و پارانها (به قیمت ثابت) است.

منابع

الف) فارسی

- ناس، اچ. مک لود (۱۳۷۶)، برنامه‌ریزی در ایران بر اساس تجارب گروه مشاورین دانشگاه هاروارد در ایران، ترجمه علی اعظم محمد بیگی، نشر نی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، قوانین بودجه سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶.
- سلطانی، ایرج (۱۳۷۸)، نقش برنامه‌ریزی منطقه‌ای در تهیه برنامه‌های توسعه، مجله مدیریت، شماره ۳۹.
- سن، آمارینا (۱۳۷۷)، اخلاق و اقتصاد، ترجمه حسن مشارکتی، مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه.
- صباغ کرمانی، مجید (۱۳۸۰)، اقتصاد منطقه‌ای (نظری و مدلها)، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- عظیمی، حسین (۱۳۷۳)، مدرهای توسعه نیافتگی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- کلمن، دیوید و نیکسون فورد (۱۳۷۸)، اقتصادشناسی توسعه نیافتگی، ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)، مؤسسه انتشاراتی و فرهنگی وثقی.
- گریفین، کیت (۱۳۸۲)، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر و محمدحسین هاشمی، تهران: نشر نی.
- گیلیس، مالکوم و دوایت اچ پرکینز و مایکل رومر و دانلد آر اسنودگراس (۱۳۸۴)، اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی.

ب) انگلیسی

- Abounoorib, E. (2000), "A Simple Income Distribution Model and the Gini Coefficient", Department of Economics and Accounting, University of Liverpool, No. 2000-2005, Research Papers.
- Culter, D. and Katz (1992), "Rising Inequality? Changes in the Distribution of Income and Consumption in the 1980", *American Economic Review*, Vol. 82, No. 2, PP. 546-551.

ج) سایتهای اینترنتی

- www.cbi.ir پایگاه اطلاعاتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمارهای سری زمانی
- www.un.org/millenniumgoals گزارشهای اهداف توسعه هزاره، سازمان ملل متحد